

## تأثیر کرونا بر مفهوم مصلحت (با تأکید بر حق ملاقات کودک)

محمدجواد عبداللهی<sup>۱</sup>، زینب حاتمی<sup>۲</sup>

فردی و زندگی انسان، از جمله کودک مرتبط است و ممکن است با موضوعاتی مانند امنیت، حریم خصوصی و زندگی و تعاملات کودک با اعضای خانواده و دیگران در تقابل و تعارض قرار گیرد. در صورتی تعارض بوجود می‌آید که والدین - چه بصورت ارادی و چه بصورت قهری - جدا از هم زندگی کنند و تصمیم طفل برای زندگی با هر کدام سخت باشد، زیرا حضانت طفل تا هفت سالگی با مادر است و از این سن به بعد با پدر. در صورت پیدایش اختلاف، تشخیص با دادگاه است و حق ملاقات برای هر کدام از والدین غیر حاضن (هر کدام از والدینی که حضانت نداشته باشند) ایجاد میشود. حال با شرایط بوجود آمده که مجبور به قرنطینه خانگی هستیم، برای حفظ سلامت افراد بحث ملاقات طفل با والدین غیر حاضن محدودتر و سختتر میشود، زیرا قرنطینه خانگی موجب شده دیدارها بصورت مجازی باشد و دیدار حضوری محدودتر شود. با توجه به اینکه کودکان روحیه‌ی لطیف و حساس دارند این اتفاق بیش از همه آسیبهای روحی و روانی جدی به آنها وارد میکند.

### بیان مسئله

ویروس کوید ۱۹ از اوایل اسفند ماه ۹۸ در کشور آشکار شد و با شیوع گسترده خود و آلوده کردن تعداد زیادی از افراد، خسارتهای جانی و اقتصادی زیادی ببار آورد. گرچه آسیبهای شیوع بیماری همه‌شمول است اما با توجه به اینکه کودکان در دوران حساسی از زندگی خود بسر میبرند، میتوان گفت بیشترین آسیب را آنها میبینند زیرا این دوران مهمترین دوران زندگی آنهاست. آنها در حالت عادی با دوستان خود در ارتباطند، بازی میکنند و چه در مدرسه و چه بیرون از مدرسه، هر روز در حال یاد گرفتن هستند، چه آموزشهای درسی از طریق معلم و چه آموزشهایی مرتبط با زندگی از طریق اطرافیان.

در صورتی که والدین کودک کنار هم زندگی کنند تا حدودی میتوان کودک را از ویروس در امان نگه داشت.

### چکیده

مستفاد از ماده ۴۵ قانون جدید حمایت از خانواده، رعایت غبطه و مصلحت کودکان و نوجوانان در تمامی تصمیمات دادگاه و مقامات اجرایی الزامی است. مصلحت در حقوق خانواده همان رعایت بهترین منافع است که بتعبیر دیگر به آن منافع عالیه میگویند. اپیدمی کرونا که با ایجاد شرایط و اوضاع و احوال خاص، تغییراتی اساسی در زندگی مردم ایجاد کرد، موضوع مصلحت و حق ملاقات طفل را تحت تأثیر قرار داده است. از یکسو، در صورت مبتلا بودن یا ناقل بودن هر کدام از والدین، سلامت طفل به خطر می‌افتد و از سوی دیگر، در صورت قطع ارتباط دیداری و ملاقات طفل، سلامت روحی و روانی او آسیب میبیند. بهمین دلیل باید راهکارهای جدی برای ملاقات طفل با هر کدام از والدین در نظر گرفته شود. این پژوهش، با رویکرد فلسفی، سعی دارد از طریق بررسی رویه قضایی و همچنین آراء اندیشمندان، به بررسی تأثیرات این بحران در تشخیص مصلحت طفل و نظارت خانواده و دادگاه بر حق ملاقات هر کدام از والدین بپردازد.

کلیدواژگان: کرونا، مصلحت، طفل، حق ملاقات.

### مقدمه

از جمله مفاهیم مهم و چالش‌برانگیز در فقه و حقوق اسلامی و همچنین در حوزه حقوق خانواده، مقوله مصلحت میباشد. این موضوع بویژه در حیطة حقوق خانواده و زمانی که در رابطه با حقوق کودکان مطرح میشود، اهمیتی خاص می‌یابد. بهمین دلیل در وضع و اجرا و تفسیر قواعد باید مصلحت کودک را در نظر گرفت. این موضوع به چپستی مصلحت و تقابل آن با حوزه‌های

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۰

۱. استادیار دانشکده حقوق و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، خمینی شهر، ایران (نویسنده مسئول)؛ e\_m\_abdollahi@yahoo.com
۲. کارشناس ارشد حقوق خانواده، دانشکده حقوق و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر، خمینی شهر، ایران.

اما اگر والدین جدای از هم زندگی میکنند، افزون بر آسیبهای جدی ناشی از خود این شرایط، بیماری کرونا نیز آسیب را تشدید نموده و سلامت روحی و روانی طفل به خطر می‌افتد. در زمان جدایی والدین، برای طرف غیر حاضر حق ملاقات در نظر گرفته میشود، چه بصورت توافق بین والدین و چه از سوی دادگاه. در شرایط قرنطینه که ارتباطات محدودتر شده، ارتباط طفل با پدر و مادر غیرحاضر نیز کمتر میشود، بعلاوه در صورتیکه والد غیرحاضر ناقل یا مبتلا باشد ممکن است سلامت کودک را به مخاطره بیندازد. از سویی دیگر، اگر کودک والد غیرحاضر خود را بمدت طولانی نبیند ممکن است از لحاظ روحی و روانی دچار آسیب بیشتری شود؛ ندیدن والدین بخاطر شرایط کرونا صدمات جبران‌ناپذیری به کودکان وارد میکند.

### تعریف کودک در فقه و حقوق

پیش از پرداختن به تعریف کودک باید مشخص شود که آیا بین واژگانی مانند کودک، طفل، بچه، نوزاد و مشابه آن، که غالباً در عرف جامعه به یک معنی بکار برده میشوند، تفاوت علمی وجود دارد یا خیر؟ هرچند روشن شدن معانی این کلمات نیازمند دقت و بحث تفصیلی است اما در حد مختصر، با رجوع به برخی از کتابهای لغت میتوان به شفاف شدن موضوع کمک کرد. در فرهنگ لغت فارسی معین ذیل عنوان طفل، واژگان بچه، کودک و نوزاد آمده (معین، ۱۳۷۹: ۲۲۲۸) و ذیل واژه کودک، به کلمات کوچک، صغیر و فرزندگی که بحد بلوغ نرسیده اشاره شده است (همان: ۳۱۱۷) در میان حقوقدانان نیز در ترمینولوژی حقوق محمدجعفر جعفری لنگرودی زیر عنوان طفل، واژه صغیر ذکر شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۴۳۰).

**اقسام صغیر:** صغیر کسی است که به سن بلوغ نرسیده باشد (همان: ۴۰۶). در زبان عامیانه به صغیر، طفل، کودک و بچه نیز گفته میشود. صغیر بر حسب قوه تمییز و تشخیص به ممیز و غیرممیز تقسیم شده است. اصطلاح صغیر ممیز در مورد شخصی بکار میرود که تا اندازه‌ی بهره‌ی عقلی برای تشخیص زشت و زیبا، خوب و بد، سودمند و زیانمند و قصد و اراده را دارد و مفهوم ساده داد و ستد و خرید و فروش و قرارداد را درک میکند. اصطلاح صغیر غیرممیز در مورد کودک، از آغاز تولد تا

هفت سالگی او را دربرمیگیرد. قانون مدنی ایران (مانند فرانسه و سوئیس) سنی معین برای تمیز در نظر نگرفته است و تشخیص آن در صورت اختلاف، بر عهده قاضی دادگاه است (ساکت، ۱۳۸۶: ۲۱۴).

این مفهوم در حقوق دیگر کشورها نیز گرچه با ملاکی دیگر - برای تعیین - وجود دارد. برای مثال، در حقوق فرانسه صغیر کسی است که به سن بیست و یک سال تمام نرسیده باشد. در حقوق این کشور مانند حقوق ایران، صغیر محجور دانسته شده و اصولاً اداره امور مالی و غیرمالی و انجام اعمال حقوقی، بدون دخالت نماینده قانونی برای او ممنوع است. در هر حال، هدف از حجر صغیر در حقوق، حمایت از اوست، چون قوای جسمی و روحی صغیر بعلت کمی سن، رشد کافی نیافته و آزاد گذاشتن وی در اداره امور بضرر خود او تمام خواهد شد (صفایی، ۱۳۸۶: ۱۹۷).

### مفهوم لغوی کودک: معادل انگلیسی کودک در زبان

انگلیسی واژگانی مانند 'child'، 'baby'، 'infant'، 'kid'، ... میباشد که به چند معنا بکار رفته است (وارسته، ۱۳۸۶: ۹۲۹):  
 ۱. شخصی که بین مرحله تولد و بلوغ قرار دارد؛  
 ۲. شخصی که به سن قانونی یا بلوغ نرسیده است. در زبان فرانسه واژه 'enfant' را معادل کودکی بکار برده‌اند. در زبان عربی بیشتر واژه طفل بکار برده شده که در زبان فارسی نیز رایج شده است. در لغت‌نامه دهخدا کودک بمعنی کوچک و صغیر بکار رفته است. این واژه در اصل کوتک بوده که از زبان پهلوی وارد فارسی شده است.

### تعریف حقوقی کودک: در تعریف حقوقی عموماً کودک

به کسی که صغیر بوده و به سن بلوغ نرسیده است گفته میشود. «بطور کلی در اصطلاح حقوقی کودک یا صغیر به کسی گفته میشود که از نظر سن به نمو روحی و جسمی لازم برای زندگی نرسیده باشد» (عبادی، ۱۳۷۸: ۵). بنابراین بنظر میرسد دو واژه کودک و صغیر در عرف مردم و حتی اهل ادب تفاوت چندانی با هم ندارند. حقوقدانان نیز بیشتر طفل را بمعنای صغیر و کودک بکار برده‌اند.

حق اینست که تعریف صریح، کامل و مشخصی از کودک وجود ندارد. رابطه‌ی که کودک با والدین دارد، یا بشکل تجربی و بواسطه عضویت در یک گروه، یا طایفه، مذهب و بطور کلی شرایط زمانی و مکانی، میتواند در

تعریف ماهیت کودک و سن کودکی مؤثر باشد. این واژه متناسب با عرف و نظام حقوقی کشورهای مختلف و با توجه به ساختار و موقعیت حکومت، در مورد اشخاص زیر چهارده، شانزده و گاهی زیر هجده سال بکار می‌رود. برای مثال در کشور آمریکا مطابق قانون ۱۹۸۹ حقوق کودک و همچنین قانون حقوق خانواده ۱۹۹۶، به افراد زیر هجده سال عنوان کودک اطلاق شده است.

### کودک در نظام حقوقی ایران

در حقوق داخلی ایران، قبل از سال ۱۳۸۱ و تصویب «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان»، تعریفی صریح که در آن سن کودک تعیین شده باشد وجود نداشت و تنها با تفسیر مواد قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی می‌توانستیم به تعریفی از کودک در قوانین ایران دست یابیم. پیش از انقلاب، ماده ۴ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهدکار - مصوب ۱۳۳۸ - اطفال را به سه گروه سنی تقسیم کرده بود: اطفال زیر شش سال؛ اطفال بین شش تا دوازده سال و اطفال دوازده تا هجده سال. مطابق این قانون اطفال زیر شش سال مشمول تعقیب کیفری نمی‌شدند. اطفالی که سن آنها بیش از شش سال تمام تا دوازده سال تمام بود، چنانچه مرتکب جرمی می‌شدند، بر حسب مورد به اولیا و یا سرپرست قانونیشان تحویل داده شده می‌شدند و از ولی برای تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل، تعهد گرفته می‌شد و چنانچه فاقد سرپرست بودند یا سرپرست آنها قادر به تأدیب و تربیت طفل نبود، از یک تا شش ماه به کانون اصلاح و تربیت اعزام می‌شدند. اما اطفال دوازده تا هجده سال، در صورت ارتکاب جرم به سه طریق قابل مجازات بودند: تحویل به اولیا یا سرپرست یا اخذ تعهد به تأدیب و تربیت، سرزنش و نصیحت توسط قاضی دادگاه و اعزام به کانون اصلاح و تربیت، از سه ماه تا یک سال برای کودکان دوازده تا پانزده سال و از شش ماه تا پنج سال برای کودکان پانزده الی هجده سال. قانون فوق با مشخص کردن شرط سنی هجده سال، اولاً بنوعی متناسب و حتی جلوتر از مقتضیات زمان خود تصویب شده بود، ثانیاً تعریفی ضمنی از کودک با در نظر گرفتن شیوه تأدیب ارائه می‌کرد. دیگر آنکه بر اساس قانون مورد بحث، افراد زیر هجده سال مجازات نمی‌شدند و صرفاً با هدف تأدیب و تربیت به کانون

اصلاح و تربیت سپرده می‌شدند.

پس از پیروزی انقلاب، قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) در تبصره ۱ ماده ۴۹، طفل را اینگونه تعریف می‌کند: «منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد». پس کسی که بحد بلوغ شرعی رسیده باشد بالغ است نه کودک. در اصطلاح فقهی، بلوغ رسیدن طفل به حالت احتلام در مرد و حیض یا حمل در زنان است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۱۱۳). پس می‌توان گفت: قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۴۹، سنی مشخص را برای تشخیص کودک یا طفل در نظر نگرفته و بلوغ شرعی را مرز بین کودکی و بزرگسالی دانسته است (اسدی، ۱۳۸۲: ۸۱). سابق بر این، مطابق ماده ۱۲۰۹ قانون مدنی، صغیر به کسی اطلاق می‌شد که به سن هجده سال تمام نرسیده باشد اما در حال حاضر مطابق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ همان قانون، سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری تعیین شده است. بر همین اساس، دختر و پسر که بترتیب به سن نه و پانزده سال تمام قمری رسیده باشند، مطابق مفهوم مخالف ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی، دارای مسئولیت کیفری هستند. «قانون حمایت از اطفال و نوجوانان» سرانجام در مرداد ۱۳۸۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و با اندکی تغییرات در آذر ماه همان سال مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت. این قانون افراد زیر هجده سال را کودک معرفی کرده و مشمول حمایت‌های مقرر دانسته است (زینالی، ۱۳۸۲: ۳۴).

### نقد

مهمترین سند بین‌المللی که به تعریف کودک پرداخته کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک است. مطابق ماده ۱، «از نظر این کنوانسیون منظور از کودک افراد انسانی زیر هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود». منظور از عبارت «قانون قابل اجرا» قانون داخلی کشورهاست. کنوانسیون حقوق کودک به کشورها این اجازه را داده است که سن بلوغ توسط قانونگذار داخلی آن کشور، کمتر از هجده سال تصویب گردد. سن بلوغ در کودکان ایرانی با توجه به تنوع آب و هوا و محیط‌های جغرافیایی، بطور عام در دختر نه و در پسر پانزده سال



تمام قمری تعیین شده اطفال از مسئولیت کیفری مبری هستند. این عبارت مبین شناخت مسئولیت کیفری برای دختران بالای ۹ و پسران بالای ۱۵ سال تمام قمری است. با توجه به آنچه گذشت پیشنهاد میشود اولاً، مفهوم کودک با تصریح به سن او و بدون تبعیض جنسیت، از همان آغاز توسط قانونگذار تعریف شود و سن مسئولیت کیفری نیز بدلیل عدم تشخیص صحیح از غیر صحیح و ناقص بودن قوه تمییز در دختر و پسر نه و پانزده ساله اصلاح گردد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در ماده ۸۹ به این موضوع پرداخته است.

### حق ملاقات

در صورت جدایی والدین، کودک حق ارتباط با هر دو نفر والدین خود را دارد، چه طرفی که حضانت او را برعهده دارد و چه طرف غیر حاضن. حق ملاقات به این معنی است که کودک در نزد یکی از والدین خود سکونت داشته باشد ولی هر دوهفته یکبار در تعطیلات آخر هفته و همچنین در بعضی از ایام تعطیلات، والد غیرحاضن را ملاقات کند. اگر کودک خردسال باشد ملاقاتها میتواند یک روزه باشند و کودک به یک اندازه کنار پدر و مادر خود بماند. البته بطور رسمی کودک فقط باید یک آدرس داشته باشد و در زمان تصمیمگیری در اینباره هموار باید منافع و مصلحت کودک را در نظر گرفت.

### حق ملاقات در قانون مدنی

در قانون مدنی حق ملاقات چندان مستقل دانسته نشده بلکه در کنار مفهوم حضانت، ولایت و قیمیت بررسی شده است. در ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی به حق ملاقات هر یک از والدین با طفل اشاره شده است. در صورتیکه بعلت طلاق یا هر دلیل دیگر، پدر و مادر طفل در یک منزل سکونت نداشته باشند، هر کدام از آنها که طفل تحت حضانت او نیست حق ملاقات کودک را دارد. تعیین زمان و مکان ملاقات و سایر جزئیات مربوط به آن، در صورت اختلاف والدین با دادگاه است. بر اساس ماده ۴۱ قانون حمایت خانواده، هرگاه دادگاه تشخیص دهد که توافقات ملاقات حضانت و نگهداری و سایر امور مربوط به طفل برخلاف مصلحت اوست یا مسئول حضانت کودک از انجام تکالیف خویش خودداری کند یا مانع ملاقات طفل با اشخاص ذیحق شود، دادگاه میتواند درباره

اموری مانند واگذاری حضانت به دیگری یا تعیین شخص ناظر با پیشبینی حدود نظارت وی و رعایت مصلحت طفل، تصمیم مقتضی اتخاذ کند. تبصره؛ قوه قضائیه مکلف است برای نحوه ملاقات والدین با طفل سازوکار مناسب با مصالح خانواده و کودک را فراهم کند (کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۱۴۳).

با توجه به مواد فوق استنباط میشود که در زمان طلاق، دادگاه در مرحله اول حق ملاقات طفل را به نظر و توافق والدین واگذار میکند و در صورتیکه والدین به توافق نرسند و در اینباره اختلاف پیدا کنند، دادگاه با در نظر گرفتن مصلحت طفل تصمیم میگیرد و در صورتیکه کودک صاحب قوه تمییز و تشخیص باشد حق انتخاب را به خود او میدهد (زمانی، ۱۳۹۶: ۱۲).

در حقوق ایران تقسیمبندی خاصی برای ملاقات وجود ندارد و ملاقات فقط بصورت حضوری است اما با توجه شرایط کنونی میتوان تقسیمبندی جدیدی برای ملاقات ارائه داد؛ از جمله ملاقات دیداری و مجازی.

### ملاقات دیداری

منظور از ملاقات دیداری، ملاقات حضوری کودک با والد غیرحاضن است که بر اساس توافق والدین صورت میگیرد و در صورت اختلاف آنها با تشخیص دادگاه انجام میشود (ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی).

### ملاقات مجازی

با توجه به شرایط کنونی برای حفظ سلامتی کودک ملاقاتها بصورت مجازی یعنی بصورت تلفنی و اینترنتی و تماس تصویری است. با وجود اینکه برخی از کشورها از جمله آمریکا ملاقات مجازی را برسمیت شناختهاند، این مسئله در ایران برسمیت شناخته نشده است.

در حقوق ایران حضانت کودک تا سن بلوغ است (ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی) و بعد از رسیدن به سن بلوغ والدین حق و تکلیفی نسبت به حضانت ندارند، بهمین دلیل حق ملاقات کودک تا سن بلوغ میباشد و بعد از رسیدن به این سن الزامی به حق ملاقات وجود ندارد. نظریه مشورتی (۱۳۸۰/۲-۱۷۶۲۶، ح، ق، ق) نیز مؤید این مطلب است و میگوید با رسیدن به سن بلوغ، موضوع حضانت منتفی است. در مورد ملاقات نیز چنانچه فرزند بالغ تمایلی به ملاقات پدر و مادر نداشته باشد الزام وی ممکن نیست (دادنامه ۲۵۳:

### ملاقات در فقه و اسلام

دین مبین اسلام جایگاهی ویژه برای کودکان قائل شده است، از جمله حق محبت، حق تربیت، حق ارتباط با والدین و خویشاوندان و دوستان و... از دیدگاه اسلام برای اینکه کودک شخصیتی رشد یافته در تمام جهات داشته باشد نیاز به ارتباط با اطرافیان، بویژه پدر و مادر دارد؛ تأکید اسلام بر صلۀ رحم با اطرافیان خود مؤید این ادعاست. اما با توجه به شرایط کرونایی کنونی ناچار به محدود کردن صلۀ رحم و حتی ملاقات با والدین غیرحاضن هستیم، زیرا طبق قاعده «لاضرر لاضرار» و «لا تضرر بالضرر» نه پدر و نه مادر حق ضرر زدن به طفل خود را ندارند. بدیهی است که والدین با تصمیم به جدایی تا حد زیادی طفل را نادیده میگیرند و طفل قربانی تصمیم والدین خود میشود و آسیب جدی به او وارد میگردد؛ آسیبی که شاید تا پایان عمر با او همراه بوده و جبرانناپذیر باشد. در شرایط کرونایی این آسیب تشدید میشود زیرا در صورتی که ملاقات حضوری باشد احتمال ابتلای طفل به ویروس بسیار زیاد است و پیامدهای ناگواری برای وی ببار می‌آورد، در عین حال ممنوع کردن کودک از ملاقات با والدین خود که حق طبیعی اوست، از لحاظ روحی و روانی وی را بشدت دچار بحران میکند و ممکن است پیامدهایی بدنبال داشته باشد؛ از جمله گوشه‌گیر شدن طفل، حس ناامیدی و یأس و همچنین احساس کمبود در مقابل همسنگهای خود که این موضوع خود موجب کاهش اعتماد بنفس کودک و ضعف رفتاری و افسردگی او میشود.

حال باید بررسی کنیم مفهوم ضرر از نظر فقها چیست و آیا میتوان با وامگیری از نظر آنها، از آسیبهایی که ممکن است به طفل وارد شود جلوگیری کرد؟

در بین فقها در مورد معانی ضرر یا ضرار اختلاف نظر وجود دارد و معانی مختلفی برای ضرر ارائه شده که مهمترین آنها عبارتند از: ۱. مجازات برای ضرری که از جانب دیگری وارد شده است؛ ۲. ضرر رساندن متقابل به دو نفر؛ ۳. ضرری که نفعی برای ضرر رساندن در آن نیست؛ ۴. معانی واحد ضرر و ضرار که برای تأکید تکرار شده است (ابن اثیر، بی تا: ۸۲/۳-۸۱).

فقها نیز با توجه به این معانی نظریات مختلفی درباره

معنای ضرر و اضرار ارائه نموده‌اند، از جمله امام خمینی بین ضرر و ضرار قائل به تفکیک شده و ضرر را تنها شامل نقص در مال دانسته و «تضییق»، «همال»، «حرج» و ضررهای غیرمادی را از معانی ضرار شمرده است. او معتقد است استعمال ضرار در معنای «تضییق، حرج و سختی» شایع است (خمینی، ۱۳۴۸: ۹۲۹). در قرآن کریم نیز در اغلب موارد به همین معنا اشاره شده نه به معنای ضرر مالی یا بدنی.

اگر ضرر را نقض در حق بدانیم، چنانچه کودک در بودن با والدین و خویشاوندانش بطور کامل استیفا نشود، میتوان با قاعده لاضرر از حق وی دفاع کرد و از زیان دیدن او جلوگیری نمود. بعنوان مثال میتوان زوجینی که فرزند خردسال دارند ولی در شرف طلاق هستند را به زندگی مسالمت‌آمیز دعوت کرد و آنها را از آثار و خطرهایی که آینده فرزندشان را تهدید میکند، آگاه نمود یا به رفع مشکل میان آنها کمک کرد. در صورتیکه راهنمایان و کمکها بیفایده ماند و تصمیم زوجین بر طلاق بود، اطفال را تحت حمایت چتر قانون قرار دهیم؛ به این شکل که برای مشاوره و کمک به فرزندان طلاق مؤسسه‌یی تشکیل شده و مسیر درست زندگی به آنها نشان داده شود تا کودکان بخاطر تصمیم نابخجای پدر و مادر، به راه نادرست کشیده نشوند.

### مصلحت در لغت

مصلحت، مقابل مفسده، و بمعنی صواب، شایستگی و صلاح است و «مصلح» جمع «مصلحه»، یعنی نیکبختی است. مصلحت بمعنای صلاح و خیر کار و آنچه موجب آسایش و سود است، میباشد؛ مصالح معاش و معاد یعنی چیزهایی که خیر و مصلحت دنیا و آخرت با آن همراه است. مصالح، ضد فساد و جمع مصلحت است؛ کارهایی که به خیر و صلاح مردم است و خیر و مصلحت کار به آن مربوط است. آنچه از مجموع این تعاریفها بدست می‌آید منفعت، سود و نیکی است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴).

### مصلحت در حقوق خانواده و اسلام

با توجه به مواد قانونی میتوان گفت: نهاد مصلحت در قانون شناخته شده است زیرا بسیاری از مواد قانونی حاکی از این امر هستند؛ از جمله: ماده ۴۱ قانون حمایت



خانواده مصوبه ۱۳۹۱:

هرگاه دادگاه تشخیص دهد توافقات راجع به ملاقات، حضانت، نگهداری و سایر اموری از قبیل واگذاری امر حضانت و نگهداری و سایر امور مربوط به طفل برخلاف مصلحت اوست یا... تبصره: قوه قضاییه مکلف است برای نحوه ملاقات والدین با طفل سازوکار مناسب با مصالح خانواده و کودک را فراهم کند.

ماده ۴۳ این قانون در مورد تشخیص مصلحت کودکانی که پدر آنها فوت شده است سخن میگوید و همچنین بموجب ماده ۴۵ این قانون «رعایت مصلحت و غبطه کودکان و نوجوانان در کلیه تصمیمات دادگاهها و مقام اجرایی الزامی است». لنگرودی معتقد است: «غبطه بمعنای صلاح و مصلحت است و مصلحت جلب نفع و دفع ضرر در نظر اهل عرف میباشد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵: ۵۲).

آیات و روایاتی نیز در منابع شرعی آمده است که نشان‌دهنده جایگاه مصلحت در رابطه با طفل است، از جمله آیه ۳۴ سوره اسراء و ۱۵۲ سوره انعام. بسیاری از مفسران اذعان داشته‌اند که منظور از احسن در این آیات و روایات، مداخله میباشد که با رعایت مصلحت همراه است و عقل سلیم آن را نیکو و پسندیده می‌شمارد.

### مصلحت از منظر فقه

بعضی از فقهای اهل تسنن مصلحت را بمعنای عدم ضرر دانسته‌اند اما محمدتقی حکیم معتقد است مصلحت و ضرر ضدین هستند. مقدس اردبیلی مصلحت را بمعنای ضرورت بکار برده و میگوید ضرورت عذری است که بموجب آن، ارتکاب پاره‌یی از امور ممنوعه مجاز است، مانند کسی که گرسنه است و در شرف هلاکت است، میتواند از مال غیر، بدون اجازه او بقدر رفع جوع بردارد. غزالی مقصود از مصلحت را محافظت بر مقصود شرع دانسته است که به یکی از مصالح پنجگانه؛ حفظ دین، حفظ نفس، حفظ عقل، حفظ نسل و حفظ مال برمیگردد. طبق تعریف غزالی میتوان حفظ مصلحت طفل را ذیل حفظ نسل دانست. زیرا در صورتیکه نتوان از طفل مراقبت و نگهداری لازم را بعمل آورد، نسلی باقی نمی‌ماند.

در بسیاری از موارد عقل بتنهایی از کشف مصالح و مفسدات ناتوان است و نیاز به بیان شریعت دارد. مصلحت نظام اسلامی در بعد مصلحت‌اندیشی یا مصلحت‌کرداری،

رابطه‌یی مستقیم با حفظ نظام آن جامعه دارد. در خانواده نیز مصلحت‌اندیشی را میتوان به دو قسم تقسیم کرد: نوع اول، مصلحت‌اندیشی‌یی است که در محدوده حقوق خانواده به حاکم اسلام واگذار گردیده و نوع دوم مصلحت‌اندیشی‌یی میباشد که به ولی و سرپرست خانواده واگذار شده است. مصلحت‌اندیشی حاکم در خانواده نیز خود به دو نوع تقسیم میشود: نوع اول مصلحت‌اندیشی بعنوان حاکم اسلام است و نوع دوم مصلحت‌اندیشی بعنوان جانشن ولی کودک صورت میگیرد؛ این دو اختیار حاکم اسلامی با هم متفاوتند. در نوع اول جنبه حاکمیت بر تصدیگری غلبه میکند و قوانینی که وضع میکند بیشتر آمره هستند اما در نوع دوم جنبه تصدیگری بر جنبه حاکمیت غلبه دارد و قوانین بگونه‌یی است که بتوان مصلحت طرفین را در نظر گرفت.

### مصلحت‌اندیشی ولی درباره مولی علیه

در آن نوع مصلحت‌اندیشی در حقوق خانواده که به ولی و سرپرست خانواده، مانند پدر و جد پدری و یا وصی یا سرپرست کودک در فرض فقدان آبا و جد واگذار شده است، باید تصمیمات مربوط به کودک یا مولی علیه، تابع مصلحت‌اندیشی بمعنای «متناسب با وضعیت آنان» باشد. مصلحت در حقوق خانواده بویژه مصلحت در حقوق مربوط به مولی علیه مانند کودک، رعایت بهترین منافع است که امروز در حقوق کودک از آن به «منافع عالیه کودک» تعبیر میشود، نه صرفاً عدم ضرر یا جلوگیری از کاری که منجر به ضرر شود. بهمین دلیل برخی فقها صرف عدم مفسده را کافی ندانسته‌اند بلکه وجود مصلحت در حقوق خانواده را اصل دانسته‌اند و حتی بالاتر از این، بعضی در صورت دوران امر بین دو مصلحت، بر این عقیده‌اند که باید به مصلحت قویتر برای کودک عمل نمود؛ این همان اصل رعایت منافع عالیه است که در حقوق بشر امروزی به آن پرداخته شده است.

تا زمانی که کانون خانواده سیر طبیعی خود را طی میکند فرزندان در کنار پدر و مادر خویش زندگی میکنند و نگهداری و تربیت آنان حق و تکلیف والدین بصورت مشترک میباشد (ماده ۱۶۸ قانون مدنی) و زن و شوهر مکلف به تشیید (بنا نهادن) کانون خانواده هستند (ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی). با این حال، ممکن است کانون

خانواده از هم پاشیده شود و زن و مرد از هم جدا شوند. در این هنگام ادامه زندگی کودک با پدر و مادر خود مطرح میشود. برای تعیین مسئول حضانت فرزندان در نظامهای حقوقی مختلف، معیارهایی متفاوت در نظر گرفته شده است، از جمله سن، جنس، مصلحت کودک یا تلفیقی از این معیارها که وابسته به شرایط پدر و مادر است. هدف اصلی و فلسفه حضانت، حفظ مصلحت کودک است و هر چیزی که بر خلاف این هدف باشد مانع حضانت میشود. بر اساس قانون یکی از موانع حضانت، انحطاط و عدم صلاحیت اخلاقی پدر یا مادر (ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی) و ازدواج مجدد (ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی) آنهاست.

بدیهی است احکام حضانت باید با توجه به مبنا و هدف، یعنی حفظ بالاترین مصلحت کودک تنظیم گردد. در برخی موارد قانونی عبارت حضانت بجای تربیت و نگهداری بکار رفته است و معلوم میشود حضانت از نظر قانون مدنی عبارتست از نگهداری و تربیت اطفال. در ماده ۱۲ آییننامه اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب تیر ماه ۱۳۴۶، میزان نفقه و هزینه حضانت و تربیت اطفال دو امر جداگانه تلقی شده است، در حالیکه در ماده ۱۳ همان قانون (همانند قانون مدنی) کلمه حضانت بمعنای اعم نگهداری و تربیت اطفال بکار رفته است.

### تأثیر مصلحت در حقوق کودکان در نظام حقوقی ایران

خانواده مکان رشد و پرورش همه اعضا، بویژه شکل دهنده شخصیت کودکان است. کودکان برای شکوفایی خود نیازمند خانواده‌یی شاد و سرشار از محبت، عشق و تفاهم هستند و این خانواده است که باید کودکان را برای فردای کشور آماده کند. کودک بلحاظ ضعف ادراکی از وضعیت خود و اطرافش توانایی درک مصلحتها و منافع خویش و همچنین قدرت دفاع و استیفای حقوق خود را ندارد، از اینرو جامعه کوچک خانواده باید حافظ منافع، مصلحتها و حقوق او باشد و جامعه جهانی نیز باید بصورت یکپارچه منافع کودکان را از طریق حکومتها تأمین کند.

در حوزه بین‌المللی تشکلهایی وجود دارند که بنفع کودکان فعالیت کرده و سعی میکنند حقوق کودکان را رعایت نمایند. از جمله این تشکلهای میتوان به قرارداد ژنو در سال ۱۹۴۲ میلادی درباره حقوق کودکان، و همچنین

قرارداد رعایت حقوق کودکان از طرف مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ میلادی اشاره کرد. حکومتهایی که عضو این تشکلهای هستند برای هر کودکی که در قلمرو آنهاست، بدون تبعیض و بدون توجه به رنگ پوست، منشأ اجتماعی و...، اجرای حقوق مندرج در این پیمان‌نامه را تضمین میکنند.

از نظر آنها در انجام هر اقدامی که بنوعی به کودک مربوط میشود چه در بخش عمومی، خصوصی و... رعایت منفعت و مصلحت و تأمین سلامت کودک بر سایر مسائل تقدم دارد. کشورهای عضو این پیمان به وظایف، حقوق و مسئولیتهای والدین یا سرپرست قانونی کودک توجه لازم را دارند تا نسبت به کودک در رابطه با حقوق مندرج در این پیمان‌نامه کوتاهی نشود.

### ضوابط و معیارهای تشخیص مصلحت

باید توجه داشت که مصالح و بیان آنها در حد نظر کارشناسان معمولی یا در حد موازین عقلی و تجربی متعارف قابل تشخیص نیست. بعنوان مثال، نمیتوان بر اساس ادعای کارشناسان امور تربیتی و روانشناسی مبنی بر اینکه روابط آزاد دختر و پسر در سطح جامعه موجب کاهش حرص شهوانی و اصلاح رفتار افراد جامعه میشود، استناد کرد و آن را مطابق با مصلحت دانست. اگر چنین اعتمادی جایز باشد، آنگاه شریعت در حد فکر و اندیشه‌ها و تجارب شخصی تنزل می‌یابد. در اینصورت این اصل که مصلحت فرع بر دین است دیگر معنا نخواهد داشت و دین محکوم مصالحی خواهد بود که افراد تشخیص میدهند. بنابراین نتایج تحقیقات باید بر اساس نصوص شرعی و احکام ثابت دینی عرضه شود؛ در صورتیکه تضادی بین آنها نبود میتوان از این نتایج بهره برد. نص در حکم عامل مؤید است والا باید نادیده گرفته شود (رمضان البوطی، ۱۳۸۴: ۶۰ - ۵۹).

چون فقهای شیعه مصلحت را منبع احکام شرعی ندانسته‌اند، به بحث و بررسی چگونگی تشخیص مصلحتها و معیارهای آن نیز نپرداخته‌اند و این امر در فقه شیعه، به عرف و خردمندان واگذار شده است، اما بطور کلی:

۱. مصالح باید در اهداف و انگیزه‌های عام و فراگیر اسلام برای اداره و هدایت جامعه داخل باشد. بعبارت دیگر، با اهداف شریعت و مقاصد شارع مخالف نباشد.

۲. مصالح تشخیص داده شده نباید با احکام کلی شرعی که بصورت احکام اجتماعی اسلام استنباط میشود، مخالفت داشته باشد. پیشفرض و فضای ترسیم شده بر مصلحت که پایه مدیریت جامعه و صدور احکام حکومتی است، اینست که حکومت اسلامی مأمور اجرای احکام و دستورات اسلام در صحنه اجتماع و اداره جامعه است. یک جنبه از این پیشفرض، خود را در ضابطه اول که لزوم محور و هدف قرار گرفتن دستورات کلی و اساسی اسلام است، نشان میدهد. اکنون با این فرض که در اسلام احکام کلی معینی وجود دارند که حکومت اسلامی مأمور اجرای آنهاست، مصلحت‌اندیشی حکومت باید در چارچوب این احکام که ممکن است بصورت قوانین حقوقی نظام اسلامی تنظیم شده باشد، قرار گیرد.

۳. تشخیص مصالح بر محور رعایت خبرگی و کارشناسی ممکن است؛ در حقیقت، پیکره اصلی تشخیص مصلحت ناشی از همین ضابطه است. باید حداکثر توانایی علمی و تخصصی بکار گرفته شود تا مصلحت تشخیص داده شده، جنبه‌های گوناگون نیازهای جامعه و حکومت را در نظر داشته باشد.

۴. شاید مهمترین و اساسیترین مرحله در سنجش مصلحتها، شناخت و رعایت قاعده اهم و مهم باشد. عالمان اصولی در باب تزاحم، درباره این معیار بحث کرده‌اند. امام خمینی(ره) نیز در صدور احکام حکومتی برای این قاعده اهمیت خاصی قائل بودند. تأکید ایشان بر مقدم داشتن «حفظ نظام» و «مصلحت نظام» بر همه مصلحتها، در همین راستا قرار دارد.

### مرجع تشخیص مصلحت

شناخت و تشخیص مصلحتهای اجتماعی، بر عهده حکومت اسلامی است. مصلحت‌اندیشی و بازشناسی مصلحت، خاص نظام ولایت فقیه نیست؛ امروزه همه حکومتها، مصلحت‌اندیشی و مصلحت‌شناسی حاکم را پذیرفته‌اند.

پیامبر اسلام (ص) و ائمه معصوم (ع)، افزون بر ابلاغ احکام الهی، بر اساس مصلحت و نیازهای زمان خود، نیز احکامی را بیان داشته‌اند. در دوره غیبت، تشخیص مصلحت بر عهده ولی فقیه است که از سوی پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) منصوب شده است.

نکته حائز اهمیت در این مسئله، واگذاری حق

تشخیص مصلحت است. با مطالعه سیره عملی پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع)، درمی‌یابیم که آنان در بسیاری از موارد، صدور احکام حکومتی و بتبع آن تشخیص مصلحت را به والیان و امیرانی که از طرف خودشان منصوب شده بود واگذار میکرده‌اند.

با توجه به اینکه حوزه حکم حاکم و مصلحت‌شناسی او گسترده و فراگیر است و همه مسائل اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و قضایی و نظامی را دربرمیگیرد، روشن است که ولی فقیه، بتنهایی قادر به تشخیص این مصالح نیست؛ بهمین دلیل، با واگذاری این صلاحیت به اشخاص یا نهادهایی که تخصص و تواناییهای لازم را دارند، مانند مجلس و قوه قضاییه و قوه مجریه، مصلحت‌اندیشی این افراد یا نهادها مشروعیت می‌یابد.

امام خمینی(ره) در اینباره مینویسند:

شاید در اینکه گفتیم حکومت حق فقیهان عادل است، اشکال شود که فقیهان توانایی اداره سیاسی و نظامی کشور و مانند آن را ندارند، ولی این اشکال درست نیست؛ زیرا اداره کشور در هر حکومتی با همیاری و شرکت شمار زیادی از خبرگان و کارشناسان انجام میگیرد. همه حاکمان و رؤسای جمهور از گذشته تا حال، مگر گروهی اندک از آنان، آشنا به فن سیاست و رهبری و امور نظامی نبوده‌اند، بلکه امور حکومتی بدست متخصصان هر فن اداره میشده است.

در حوزه مصلحت‌اندیشی حاکمیت درباره کودک این وظیفه به دادگاه خانواده واگذار شده است. بررسیها نشان میدهد که با توجه به اهمیت جایگاه طفل، در همه ادوار مسئله حفظ مصلحت او وجود داشته و در هر دوره بر اساس شرایط و اوضاع و احوال زمان خود بوده است. در شرایط کرونایی کنونی نیز قانونگذار و دادگاه خانواده بیشترین مصلحت طفل را در نظر دارد؛ بعنوان مثال در مورد زیر دادگاه اولین قدم را برای حفظ سلامت طفل برداشته و با دستور موقت ملاقات طفل مخالفت کرده و قانون صادره را غیر قابل اعتراض دانسته است. متن رأی قضایی بدین شرح است:

در خصوص درخواست آقای:..... به طرفیت خانم:..... مبنی بر «صدور دستور موقت جهت ملاقات با فرزند مشترک چهار ساله به نام.....» با این توضیح که خواهان، روگرفت مصدق سند ازدواج به



شماره سریال ... مورخه... تنظیم یافته در دفتر رسمی ثبت ازدواج به شماره ... فیروزآباد و اسناد سجلی خویش و خوانده و فرزند مشترک را پیوست دادخواست نموده و تقاضای خود را به این دادگاه تقدیم کرده است. هرچند ملاقات با فرزند مشترک نیاز متقابل و ضروری فرزند و والدین و امری بدیهی و از حقوق طبیعی و اولیه پدر و مادر و فرزند میباشد، اما از آنجا که متأسفانه شیوع ویروس کرونا در بسیاری از کشورها از جمله ایران، زندگی افراد جامعه را تحت تأثیر قرار داده و بتوصیه پزشکان و متخصصان امر بهداشت و درمان بهترین راه پیشگیری از ابتلا و انتقال بیشتر ویروس، ماندن در خانه و بعبارتی قرنطینه خانگی است، مگر در موارد ضروری که باید به حداقلها اکتفا نمود. هرچند نظر کلی پزشکان اینست که میزان ابتلا در سنین پایین (هرچند بدلائل ناشناخته)، بسیار کم بوده و در صورت ابتلا، وضعیت بیمار به شرایط حاد نخواهد رسید، اما باید توجه داشت که کودکان در صورت ابتلا، میتوانند بسادگی ویروس را به دیگران انتقال دهند، بویژه اینکه در همه نقاط دنیا رفتار والدین با فرزندان کم سن و سال بنحوی صمیمانه است که از اینرو انتقال ویروس، اجتنابناپذیر خواهد بود. فارغ از آن، با توجه به ناشناخته بودن ویروس هر احتمالی برای کودکان متصور است و با توجه به اینکه در قانون حمایت خانواده، رعایت مصلحت فرزند، بر عهده دادگاه قرار گرفته است بنابراین در شرایط کنونی، از نظر دادگاه فوریت امر احراز نمیکردد. حتی با فرض احراز فوریت امر برای ملاقات، مصلحت فرزند اقتضای عدم پذیرش درخواست را دارد و ندیدن چند ماهه فرزند از نزدیک در این شرایط، آسیب روحی و تتبع آن جسمی، به پدر وارد نمیکند و غالباً زمانی که سلامتی فرزند و سایرین در خطر باشد، پدر فرزند نیز چنین ریسکی را به جان نمیخرد، آنهم زمانی که انسان در مقام پدر باشد و بمراتب مسئولیت پذیری بیشتری در خود احساس میکند. دادگاه بر خود لازم میداند پدر و مادر فرزند را ارشاد نماید که در عمل، تصمیم دادگاه را بپذیرند و برای حفظ سلامتی فرزند خود و اطرافیان، تا زمانی که متخصصین علم پزشکی شرایط بیماری در کشور را عادی اعلام نکرده‌اند، از بیرون آوردن فرزند از منزل خودداری نمایند و از طریق تماس تلفنی و تصویری با او ارتباط برقرار کنند. با این توضیحات دادگاه به استناد مواد ۷، ۴ و ۴۵ قانون حمایت خانواده

مصوب ۱۳۹۱، قرار رد درخواست دستور موقت صادر و اعلام مینماید قرار صادر قطعی و غیر قابل تجدیدنظر میباشد.

دادرس دادگاه شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری فیروزآباد - هادی دهقان.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش آگاه‌سازی خانواده‌ها و اطرافیان نسبت به موضوع طلاق با شرایط موجود است؛ که چه آسیبهایی به طفل وارد میکند. در حالت عادی در صورت جدایی والدین از یکدیگر، والد غیر حاضن با هماهنگی و توافقات از پیش انجام شده میتواند طفل را بصورت آزادانه ملاقات کند اما با توجه به شرایط کرونایی موجود، ملاقات حضوری طفل سخت و محدود به تماسهای صوتی و تصویری شده است؛ تا زمانی که اوضاع و شرایط جامعه رو به بهبودی بگذارد. این شرایط آسیبهایی جدی از لحاظ روحی روانی برای طفل به‌مراه دارد، زیرا از یکسو ممکن است این زمان نیاز داشته باشد با والد غیر حاضن خود حضوری ملاقات کند و نیازهای خود را بیان نماید و از سوی دیگر، ملاقات میتواند او را در معرض خطر ابتلا به بیماری قرار دهد. بهمین دلیل میتوان گفت تعارض ظاهری بین مصلحت طفل و حق ملاقات وی بوجود می‌آید. از نظر نگارنده هیچکدام از ایندو بر دیگری تقدم ندارند، چون هر دو در راستای سلامت روحی و روانی کودک هستند و مسیر آنها در رابطه با طفل از هم جدا نیستند؛ به این دلیل که هم در شرع و هم در قانون، طفل و مصلحت وی از جایگاهی ویژه برخوردار است. این اهمیت نه تنها در حال حاضر بلکه از ادوار گذشته وجود داشته است؛ مصلحت طفل بعنوان کوچکترین عضو جامعه و آسیب پذیر بودن او همواره در هر دوره با توجه به شرایط و اوضاع آن جامعه مورد توجه بوده است.

### پیشنهاد

بنظر میرسد با توجه به شرایط کرونایی موجود، بهتر است خانواده‌ها برای تصمیمگیری عجله نکنند و برای جبران اشتباهات گذشته به یکدیگر فرصت دهند؛ شاید از تصمیم جدایی منصرف شدند و این تصمیم باعث قربانی شدن طفل بی‌تقصیر آنها نشود. در این شرایط بیش از شرایط عادی طفل برای رفع حواجی خود به هر دوی آنها



نیاز دارد. بهتر است دادگاه‌ها نیز قبل از اجرای حکم، مصلحت طفل را در نظر بگیرند و با صدور حکم طلاق مخالفت کنند یا در صورت جدایی، ملاقات را فقط به دیدار مجازی محدود کنند تا سلامت طفل آسیب نبیند، یا در صورت حضوری بودن ملاقاتها، دیدارها در مکانهایی که پروتکل بهداشتی رعایت میشود انجام شود و حتی قوه قضاییه مکانهای خاصی برای ملاقات در نظر بگیرد و پزشکانی را برای تست و مطمئن شدن از سلامت والد غیر حاضر در آنجا به کار بگمارد.

#### منابع

- قرآن کریم.  
قانون حمایت خانواده.  
قانون مدنی.  
دادنامه شماره ۲۵۳ شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر تهران مورخ ۱۳۸۵/۰۳/۲۵.  
رای قضایی دادگاه شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی دادگستری فیروزآباد - هادی دهقان.  
ابن اثیر (بی تا) الکامل فی التاریخ، ترجمه محمدحسین روحانی.  
اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۲) «کودکان بزهکار و بزه‌دیده در حقوق ایران»، مجله ندای صادق، سال ۸، شماره ۳۰.  
جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۵) ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش.  
خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵) رساله لاضرر، قم: بی نا.

رمضان البوطی، محمدسعید (۱۳۸۴) مصلحت و شریعت؛ مبانی، ضوابط و جایگاه مصلحت در اسلام، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: گام نو.

زمانی، مرضیه (۱۳۹۶) «جایگاه مصلحت در حق ملاقات»، دومین کنفرانس ملی علوم انسانی اسلامی، تهران، ۱۵ مهر ۱۳۹۶.

زینالی، حمزه (۱۳۸۲) «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و تقابل دیدگاهها در آن»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۳، شماره ۹.

ساکت، محمدحسین (۱۳۸۶) شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی، تهران: جنگل.

صفایی، حسین (۱۳۸۶) مقالاتی درباره حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران: میزان.

طیبی جلی، مرتضی (۱۳۹۷) «تحلیل تطبیقی حق ملاقات والد غیرحاضر با فرزند در قانون جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱۷.

عبادی، شیرین (۱۳۷۸) حقوق کودک، ج ۱، تهران: نشر کانون.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲) دوره حقوق مدنی (خانواده)، تهران: گنج دانش.

معین، محمد (۱۳۷۹) فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.

وارسته، حمید (۱۳۸۶) فرهنگ جامع حقوقی، تهران: امیرکبیر.

هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۰) «مفهوم‌شناسی مصلحت و جایگاه آن در حقوق خانواده»، حکومت اسلامی، شماره ۷۵.